

قسمت سوم

ساا نه تنها خود را وارث (سازمان رهایی افغانستان) - تا زمانیکه قرار گرفته ءساا "مدالگیر" نشده بود- میداند بلکه بار انحرافات و رویزیونیسم "گروه انقلابی خلق های افغانستان" را نیز افتخار آمیز بر دوش میکشد. در وبسایت رزمندگان، در بخش (صفحات ویژه)، در مدخل (سازمان انقلابی افغانستان)، در شمار (اعلامیه ها و اسناد) ساا، کتاب (با طرد اپورتونیسمی) نیز جلوه گر میشود. نگرش ساا به گذشته جنبش، هنوز همان لاطانات (با طرد اپورتونیسمی) است. نقل قول هایی که ما از کتاب (با طرد اپورتونیسم...) می آوریم، از (انتشارات محسن) است. "مزیت" نسخه ء سایی در آن است که حاوی پیشگفتاری از سوی ساا میباشد، پیشگفتاری که میکوشد دفاعیه ای باشد از برای تطهیر اباطیل مندرج در آن کتاب و طلب بخشایش از برای انحرافات اکونومیستی مندرجه در آن اثر. این "دفاعیه" نه تنها قادر نیست "ادای دین" نسبت به لاطانات اکونومیستی کند، بلکه بیش از پیش ماهیت ارتجاعی "شاهکار" انتقادیون و دشمنی شان با شعله جاوید و سازمان جوانان مترقی را برملاء میسازد. اگر بر مبنای "منطق" این پیشگفتار قضاوت کنیم، باید عطای "شاهکار" را به نقایش بسپاریم و هرگز دم از تعهد به داشتن خط مذکور در آن کتاب نداشته باشیم. زیرا که این کتاب سراسر ملوث با انواع برداشت های انحرافی نسبت به شعله جاوید و سازمان جوانان مترقی است. آنچه شگفتی است این است که "صغرا و کبرا" چیدن های این پیشگفتار در طلب معذرت از انحرافات و لاطانات این اثر، منجر به نتیجه ء "صحیح" تجلیل از آن از سوی ساا شده است. ساا در تجلیل از این اثر چنین ژاژپراگنی میکند:

"با طرد اپورتونیسم در راه انقلاب سرخ به پیش رویم" سندی از "گروه انقلابی خلقهای افغانستان" است که در بهار 1352 به نشر رسیده است. این سند از اهمیت تاریخی فوق العاده برخوردار است، زیرا بررسی درست و دیالکتیکی جنبش انقلابی افغانستان بدون مطالعه ء این سند ناممکن است. زنده یاد داکتر فیض احمد کمونیست انقلابی و نامدار کشور ما ... با نشر این سند و با جمعبندی اشتباهات آن سازمان {منظور سازمان جوانان مترقی است}، اس و بنیاد بحث های جدی مارکسیستی را ریخت ... زنده یاد رفیق احمد

ضمن آنکه در این نوشته ، اپورتونیزم، مواضع خرده بورژوا مآبانه و غیر مارکسیستی حاکم بر سازمان جوانان مترقی را با نقد انقلابی آماج قرار میدهد ، خود نیز دچار اشتباهاتی میشود که در اسناد بعدی به انتقاد از خود می پردازد... (سا پ. ، چاپ سا، تابستان 1392)

حال ببینیم که سا کدام موارد را به مثابه ء "اشتباهات" داکتر فیض برشمرده و "عدم موافقت" خود را با آنها اعلام میدارد. اگر آن موارد، در شمار یا از قبیل همان مواردی باشد که فوقاً مورد بررسی و تجلیل سا قرار گرفته است، تناقض گفتاری و مدعای متناقض سا، خود نشان دهنده ء اپورتونیزم و دروغ پروری سا خواهد بود:

رفیق احمد دو سال پس از نشر "با طرد اپورتونیزم..." نوشته کوتاهی به نام "چند انتقاد بر جزوه ء "با طرد اپورتونیزم در راه انقلاب سرخ به پیش رویم" را به نشر می سپارد که در آن به دو اشتباه سند فوق الذکر تماس میگیرد. از جمله مینویسد:

"در صفحه ء 28 جزوه آمده: " تنها هنگامی که حزب کمونیست قادر گردید با بینش مارکسیستی-لنینیستی پیوند عمیق با کارگران و دهقانان برقرار ساخته آنان را تحت رهبری خود در آورده و بدینسان استخوان بندی جبهه را بر اساس اتحاد محکم کارگران و دهقانان پیریزی نماید آنگاه بورژوازی تلاش های خود را عبث دانسته به رهبری حزب پرولتاریا تن می دهد."

از جمله فوق اینطور برمی آید که همینکه استخوانبندی جبهه تامین شد بورژوازی تلاش های خود را عبث دانسته و به رهبری حزب کمونیست تن میدهد. این فکر درست نیست.

.....
.....
.....

بدین ترتیب بورژوازی چه در درون جبهه متحد و چه پس از آن تا زمان موجودیتش بنابر خصلتش که ناشی از موقعیت آن در تولید است از تلاش های خود بدرجات گوناگون و در شرایط مختلف دست نکشیده و واقعا برهبری حزب پرولتاریا تن نمی دهد. (سا پ. , چاپ ساا، تابستان 1392, ص. پیشگفتار 1)

مورد دوم اشتباه داکتر فیض به نقل از "پیشگفتار" ساا، همان اکونومیسم وی و "گروه انقلابی..." تحت رهبری وی است. اکونومیسم ساا مورد انتقاد و تقبیح جنبش انقلابی کشور قرار گرفته بود. داکتر فیض سرانجام مجبور به اندکی عقب نشینی از موضع خویش گردیده و خواست تا با کاستن از غلظت اپورتونیسیم اکونومیستی جریان تحت رهبری اش-البته در حرف- دو باره اکت و ادای "مائوتسه دون اندیشه" بودن در آورد:

"در بخش دوم جزوه که در واقع جمع بندی برخورد شعله جاوید به جنبش های کارگری کشور ماست مطلب طوری بیان شده که در مجموع به خواننده به درستی این استنباط دست می دهد که ما در برخورد به جنبش کارگری معتقد به مراحل مبارزه طبقه کارگر هستیم یعنی اینکه گویا نخست باید مرحله ء اقتصادی باشد و سپس سیاسی و مرحله مبارزه اقتصادی لازم است در همان حدود باقیماند و نباید صبغه سیاسی بخود بگیرد. "در مبارزات اعتصابی خواسته ای که اکثریت جهت تحقق آن ایستاده اند اگر اقتصاددیت نباید به آن بدون توجه به سطح ، روحیه و مرحله مبارزاتی صبغه قانونی بخشید" و "ولی همه این پیش شرطها و مقدمات مستقیما وابسته است به پیروزی مبارزات اقتصادی و صنفی در محل کار.".....

در اینجا با توجه به نکات اشتباه آمیز فوق نظر خود را تصحیح میکنیم:...." (سا پ. , چاپ ساا، تابستان 1392, ص. پیشگفتار، صفحه 2)

قسمی که در فوق می بینیم اکونومیسم عریان داکتر فیض، دنباله و صورت حتی عقب مانده تر همان اکونومیسم منشویکی است که بلشویک ها تحت رهبری رفیق لنین در شروع سده ۲۰ بیستم با آن مصاف داده بودند. همان اکونومیسمی که کتاب (چه باید کرد) لنین آنرا افشاء و طرد نمود. جالب این است که چنین اکونومیسم را "مغز متفکر" ای (مغز متفکر به تعبیر سا) مطرح میکند که کلیت جریان دموکراتیک نوین و سازمان جوانان مترقی را به هیچ گرفته و دم از مارکسیسم-لنینیسم-اندیشه مائوتسه دون میزند! تنها با اینکه "نظر خود را تصحیح میکنیم" نمی شود گفت که از چنان اکونومیسمی تبرئه توان شد. اگر موضوع انتقاد از خود در میان میبود، داکتر فیض می بایست به صراحت تام میگفت که این اکونومیسم عریان بوده است و انحرافی بوده است که اینک از آن رویگردان شده است.

رهبری سازمان جوانان مترقی هنگامی که موج سیاه "انتقادیون" وارد عرصه شدند، داکتر فیض و حواریون اش را پیروان اکونومیسم خواندند. آیا برداشت رهبری سازمان جوانان مترقی نادرست بود؟ خیر! آنها به درستی اکونومیسم را درنوشته ها و موضع گیری های داکتر فیض-شرکا میدیدند. حاصل انتقادات - هرچه ناکافی- تالیان خط سرخ بود که داکتر فیض به عقب نشینی-ولو از سر ناگزیری و ناکافی- واداشته شده است. اما اگر دقیقاً برآیند "تصحیح میکنیم" داکتر فیض را به بررسی بگیریم، هویدا میشود که وی "اشتباهات" اکونومیستی خود را نه تنها تصحیح نکرد، بلکه آن "اشتباهات" دیری نگذشت که با میلاد (سازمان رهایی افغانستان) به شکل نسخه ۲ "افغانی" تیوری سه جهان تینگ هسینائو پنگ برآیند کرده، و مشی "جمهوری اسلامی" و ائتلاف با "احزاب جهادی میانه رو" را به میدان کشید. اینجاست که اپورتونیزم در بستر "تصحیح" مهر تسجیل می یابد.

در مورد اشتباه (اول)، باید گفت که آن اشتباه، نه از سر خط و بی توجهی مرتکب آن، بلکه ناشی از خط سیاه لیوشائوچی-تینگ سیائوپنگیستی رهروان سرمایه داری در سطح بین المللی میباشد. آن اشتباه که استقلال طبقه کارگر و اهمیت تشکل یابی آنرا منکر می افتد، اعلام میدارد که پس از پیروزی انقلاب، دیگر مبارزه دو خطی در میانه نباید باشد، و بورژوازی گوسفند وار مطیع شده و به دنبال پرولتاریا و حزبش روانه میگردد. چنان خطی، در پی به غفلت اندر افگندن پرولتاریا و انقلابیون پرولتری بوده، و در صورت غافل شدن پرولتاریا از چنان توطئه ۲ طبقاتی، این خط سیاه موجد احیای سرمایه داری در کشور های سوسیالیستی است. انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین، پاسخی محکم به چنان برداشت ها

و مواضع خاینانه راهیان سرمایه داری بود. این انقلاب، در نقطه مقابل چنان خطی قرار داشته، و منادی پیشبرد مبارزه دو خط و تقویت ستاد پرولتری با اتخاذ موضع و مشی پرولتری بود. از همین رو است که انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین، ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا تا رسیدن به کمونیسم و (جنگ خلق تا کمونیسم) را برای پرولتاریای بین المللی به ارمغان آورده است. داکتر فیض، با اشتباه خواندن موضع خود، از تحلیل عمق آن "اشتباه" طفره رفته، و به گونه‌ای گذرا خطری را که برای پرولتاریا متصور است، را با "تن ندادن بورژوازی به رهبری پرولتاریا" خاتمه یافته اعلام میدارد.

پوچی و اپورتونیسم مواضع اعلام شده در کتاب (با طرد اپورتونیسم...) نه تنها برای همه راهیان سرخ انقلاب معلوم بود، بلکه منادیان آن مواضع را نیز واداشت که -ولو مزورانه و به گونه‌ای اپورتونیستی- یک گام به "عقب" گذارده و اندکی از شدت حملات خویش کاسته و خود را از لومپنیزم سیاسی که مرتکب شده بودند، قدمی "دورتر" و نادمتر جلوه دهند. این موضع بر مبنای همان (پیشگفتار) در صفحه 18 "مشعل رهایی" چنین اقامه شده است:

" " شعله جاوید" که تحت رهبری "س.ج.م" انتشار یافت با رد تزهای رویزیونیستی "خلق و پرچم" و افشای فعالیت های اعتصاب شکنانه و ضد انقلابی آنها به تبلیغ م.ل.اندیشه مائوتسه دون طی مبارزه علیه روند رویزیونیسم و رفرمیسم و دفاع از انقلاب قهری پرداخت که به این صورت نقش مهم تاریخی را در جنبش انقلابی و مارکسیستی کشور ایفا کرد... (چیزی که ما در اوایل بریدن از "س.ج.م" و جریان شعله آنرا نمی دیدیم و به نفی کامل آن دست زدیم و بدین صورت دچار برخورد یک جانبه شدیم). " (سا.پ. , چاپ سا، تابستان 1392, ص. پیشگفتار، ص 2)

در کانون انتقادات داکتر فیض نسبت به جریان شعله جاوید و سازمان جریان مترقی این نکته قرار داشت که وی سازمان جوانان مترقی را یک سازمان رویزیونیستی و جریان شعله جاوید را یک جریان خرده بورژوازی تالی "راه سرمایه داری" میخواند. این نکته کانونی، از سوی وی به مثابه دلیل عمده "بریدن"

از جریان شعله جاوید خوانده شده است. کتاب "با طرد اپورتونیسیم..." نیز همین "تم" را تکرار نموده و برای آن اهمیت بنیادین و مرکزی قایل بوده، و در حقیقت علت نگارش آن اثر نیز تاکید بر این "تم" است. اگر ما "انتقاد از خود" داکتر فیض در "مشعل رهایی" را "صادقانه" فرض کنیم، به این معنا است که "بریدن" و "انتقادات" داکتر فیض-شرکا از جریان شعله جاوید و سازمان جوانان مترقی اساسی نداشته است. وی این بی اساسی را به "برخورد یک جانبه" تعبیر آورده است. بگذریم از اینکه در این "انتقاد از خود" نیز زیرکانه به جای آنکه بگوید که ما به گونه رویزیونیستی در برابر خط صدر اکرم یاری قیام کردیم، میگوید که "دچار برخورد یکجانبه شدیم". مفاد سخن اینکه: خود داکتر فیض، بر علیه "شاهکار" گروه خویش، و بر علیه مواضع رویزیونیستی خویش، به سخن در آمده است. هر چند این موضع گیری، مزورانه است، با آنهم دست کم، نسبت به فلاکت تیوریک ساا، یک گام به پیش محسوب میشود! ساا کتاب (با طرد اپورتونیسیم...) را هنوز می پرستد و آنرا دارای "اهمیت تاریخی فوق العاده" میداند. آنرا "بررسی درست و دیالکتیکی جنبش انقلابی افغانستان" میخواند. همانند این اثر هنوز اعلام میدارد که "مواضع حاکم بر سازمان جوانان مترقی" مواضع "خرده بورژواایانه"، اپورتونیسیم، و "غیر مارکسیستی" بوده است. این ژاژخایی ساا در حالی است که داکتر فیض سه دهه قبل بر آن، بناچار ناگزیر به نوعی از اعتراف به این شده بود که:

" " شعله جاوید" که تحت رهبری "س.ج.م" انتشار یافت با رد تر های رویزیونیستی "خلق و پرچم" و افشای فعالیت های اعتصاب شکنانه و ضد انقلابی آنها به تبلیغ م.ل.اندیشه مائوتسه دون طی مبارزه علیه روند رویزیونیسم و رفرمیسم و دفاع از انقلاب قهری پرداخت که به این صورت نقش مهم تاریخی را در جنبش انقلابی و مارکسیستی کشور ایفا کرد"

حال ما این نظر "تصحیح شده" داکتر فیض را با تازش های سه دهه بعد تر ساا بر شعله جاوید و سازمان جوانان مترقی که آنرا "خرده بورژواایی"، اپورتونیسیتی و غیر مارکسیستی میخواند، بسنجیم. می بینیم که ساا هنوز به کالبد متعفن خز عبلات (با طرد اپورتونیسیم...) چسبیده است، اما داکتر فیض، حتی خود از بوی تعفن اثر خویش، دستمال به دست گرفته، اندکی از شدت لومپنیزم سیاسی کاسته، و اعلام میدارد که مواضع وی در (با طرد اپورتونیسیم) "یک جانبه" بوده، و

"شعله جاوید" به افشا و رد "تذاری های رویزیونیستی "خلق و پرچم" پرداخته، و علیه "روند رویزیونیسم و فرمیسم" قرار گرفته و به "دفاع از انقلاب قهری" پرداخته است. می بینیم که سا همان نسخه از رویزیونیسم داکتر فیض را هنوز در چننه دارد که برای خود داکتر فیض نیز در سالیان بعدی، دست کم در ظاهر امر، قابل قبول جلوه نمی کرده است. آنچه را که داکتر فیض خود از نگاشتن اش در سالیان بعد به قول سا و تاکید خود داکتر فیض احساس ندامت میکرده است- اکنون بگذریم از اینکه این ندامت چقدر صادقانه بوده است، و میدانیم که با توجه به مواضع بعدی سه جهانی داکتر فیض و سازمان رهایی افغانستان، پر غیر صادقانه بوده است- سا چنین مورد تحسین قرار میدهد:

"زنده یاد داکتر فیض... با نشر این سند و با جمعبندی اشتباهات آن سازمان، اساس و بنیاد بحث های جدی مارکسیستی را ریخت"

می بینیم که اکونومیسم (با طرد اپورتونیسم...) و تاخت و تازی های بی آرمانه و رویزیونیستی آن اثر، برای سا "اس و بنیاد بحث های جدی مارکسیستی" محسوب میشود. سا با این استنتاج، حتی به تطهیری که مدعی آنست که داکتر فیض در "مشعل رهایی" از خود "انتقاد" نموده است نیز وفا دار نمی ماند. برداشت ما از این دو-پهلوی نگاری های سا اینست که در خط اکونومیست ها و در خط رویزیونیستی سا، جهت خاک پاشیدن به چشم منتقدان جدی، باید تزویر به خرج داد، و با مایه گذاشتن از دروغ و ژاژ، از خود "انتقاد" آنهم انتقاد سطحی و باب دندان منشویک ها به عمل آورد، تا باشد که از برندگی تیغ انتقاد مارکسیست ها نسبت به آنها کاسته شود، باشد که به چشم توده ها خاک ریخته آید. اما، نه مارکسیست ها فریب ظواهر را میخورند و نه خلق های آزادیخواه ما پراتیک ارتجاعی بیش از سه دهه ء رویزیونیست های اکونومیست و سه جهانی را به فراموشی سپرده اند.

ادامه دارد